

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

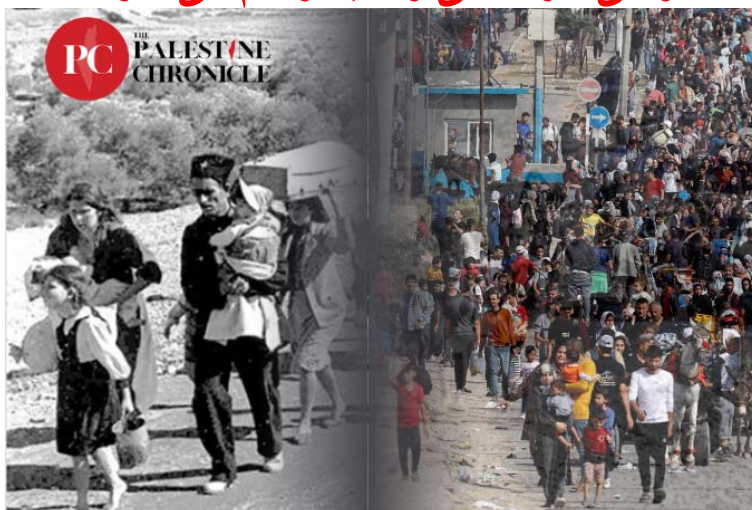
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بنی بلند
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۷ می ۲۰۲۵

چرا جهان در برابر نسل‌کشی غزه سکوت کرده و گاهی وقتی حرف می‌زند بدتر هم می‌شود؟



فلسطینیان ۷۷ سال سلب مالکیت و خشونت مداوم را تحمل کرده‌اند. (تصویر: [Palestine Chronicle](#))

در حالی که اسرائیل همچنان به ارتکاب جنایات پی در پی، که هر یک از قبلی هولناکتر است، ادامه می‌دهد، به نظر می‌رسد اقدام بسیار کمی برای متوقف کردن آن صورت می‌گیرد.

پاپ لئو چهاردهم در اولین سخنرانی یکشنبه خود در ۱۱ می، خواستار آتش‌بس فوری در غزه شد و نگرانی خود را از تشدید جنگ جهانی ابراز کرد. پاپ با تکرار حمایت پیشین خود از غزه، نه مرتکب اعمال ارتكابی (اقدام فعال نادرست) شد و نه مرتکب اعمال رایج‌تر سهل‌انگاری (عدم اقدام در زمانی که از نظر اخلاقی مسؤولیت آن را دارد) شد.

همین را نمی‌توان درباره بیشتر جمعیت جهان گفت. در آنجا، احساسات از «افراد نمی‌توانند دنیا را تغییر دهند، پس چرا زحمت بکشیم؟» تا «اسرائیل حق دارد از خود در برابر حمله تروریستی دیگری دفاع کند» متغیر است.

در مورد اول، افرادی مانند روزنامه‌نگاران، نویسندگان و مفسران عمومی قطعاً می‌توانند تفاوت ایجاد کنند، در حالی که بقیه می‌توانند به سازمانی بپیوندند که به طور جمعی برای دستیابی به صلح جهانی با عدالت تلاش می‌کند. در مورد دومی که احتمالاً مودیان‌تر است، باید به این نکته اشاره کرد که اسرائیل به عنوان یک قدرت استعمارگر، از نظر قانونی حق ارتکاب نسل‌کشی علیه مردم تحت استعمار را ندارد. متأسفانه، به دلیل شیوع گسترده اطلاعات نادرست در این زمینه، این رژیم توانسته است با مصونیت کامل دست به قتل‌عام بزند.

در حالی که اسرائیل بی‌وقفه به ارتکاب جنایات ادامه می‌دهد، که هر یک از دیگری هولناک‌تر است، اقدام مؤثری برای متوقف کردن آن مشاهده نمی‌شود. همانطور که رمزی بارود نیز خاطرنشان می‌کند، این اعمال سهل‌انگاری با «درجات متفاوتی از خشم، درماندگی یا بی‌تفاوتی کامل» صورت می‌گیرد.

حتی زمانی که برخی از فعالان، چه به صورت فردی و چه در چارچوب سیاست‌های گروهی، سکوت نمی‌کنند، اغلب بسیاری از حقایق عمداً از اظهارات آنها حذف می‌شود. آماندا گلندر در این باره می‌گوید: «بسیار ناامیدکننده و صراحتاً غیرقابل قبول است» که بسیاری از همکاران یهودی ضدصهیونیست او «هنوز از حمایت آشکار و بدون عذرخواهی از مقاومت مسلحانه فلسطین خودداری می‌کنند».

او ادامه می‌دهد: «این حق شما به عنوان «ضدصهیونیست‌های» یهودی نیست که مبارزه را تطهیر و بی‌خطر کنید، با قربانی کردن مقاومت برای آرامش بخشیدن به احساسات لیبرال اعضا، اهداءکنندگان، خانواده‌ها و پیروان خود به گونه‌ای که مناسب بحث‌های فلسفی، غرور شکننده، احساس گناه و راحتی شما و همچنین تاریکی پوچ تصورات باطل خودتان باشد.»

اظهارات او شامل همه مقامات دولتی، مفسران و افراد، چه ضدصهیونیست باشند و چه نباشند، می‌شود که ادعا می‌کنند مخالف کمپین پاکسازی قومی اسرائیل هستند، اما از نامیدن آن به عنوان نسل‌کشی که به نکتب اصلی بازمی‌گردد، خودداری می‌کنند.

به عنوان مثال، سناتور برنی سندرز (ورمونت) به دلیل حمایت از مراقبت‌های بهداشتی ملی، افزایش حداقل دستمزد، و سایر سیاست‌های اجتماعی به عنوان یک سیاستمدار مترقی شناخته می‌شود.

تحلیل تناقض در مواضع سیاسی

با وجود این که انتقاد سندرز از «تخریب مردم فلسطین» مورد ستایش قرار می‌گیرد، اغلب اظهارات او از رویکرد صهیونیست‌های لیبرال نشأت می‌گیرد. این تناقض در سخنرانی او در ۸ می ۲۰۲۵ مشهود بود، جایی که او کنگره را به دلیل سکوتش در برابر «کابوس ساخته دست بشر» در غزه سرزنش کرد.

پس از برشمردن تمام مصائب غزه و حتی اشاره به جنایات جنگی کابینه نتانیاهو، سندرز ناگهان به این نکته تغییر موضع می‌دهد که اسرائیل پس از «حمله وحشیانه حماس، یک سازمان تروریستی، در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ به اسرائیل که ۱۲۰۰ بی‌گناه را کشت و ۲۵۰ گروگان گرفت»، حق دفاع از خود را داشت. این بخش از اظهارات او، به نوعی، تلاش می‌کند تا اقدامات اسرائیل را توجیه کند.

این اظهارات تمام نیت‌های خوب سندرز را از بین می‌برد؛ زیرا بیشتر این گفته‌ها ابتداء توسط اسرائیل برای توجیه نسل‌کشی که اکنون در ۵۹۱مین روز خود است، استفاده شد، به علاوه، سخنان او تحریف حقایق است.

در حالی که قوانین بین‌المللی به اشغال‌شده حق مقاومت در برابر اشغال خود را می‌دهد، اما به اشغالگر چنین حقی را نمی‌دهد. علاوه بر این، بسیاری از کشتارها توسط خود اسرائیل صورت گرفته است، زیرا سربازان آن در سردرگمی لحظه به طور بی‌هدف شلیک می‌کردند.

یانپو کوبوویچ می‌نویسد: «هیستری دیوانه‌واری وجود داشت و تصمیمات بدون اطلاعات تأیید شده گرفته می‌شدند.» علاوه بر این، اسناد و شهادت‌های جمع‌آوری شده توسط هآرتص نشان می‌دهد که سربازان اسرائیلی از دستور عملیاتی هانیبال استفاده کرده‌اند، که به ارتش اجازه می‌دهد برای جلوگیری از به اسارت گرفتن سربازان توسط دشمن، از زور استفاده کند.

در نهایت، سندرز مانند بسیاری از مردم، ۷ اکتوبر را خارج از متن قرار می‌دهد. به طور خاص، او به نکبت (فاجعه) اشاره نمی‌کند، که در سال ۱۹۴۸ رخ داد اما از آن زمان تاکنون ادامه داشته است.

ریچارد فالک، کارشناس حقوقی، در مصاحبه با Palestine Chronicle توضیح می‌دهد: «یکی از تاکتیک‌های مورد استفاده غرب و اسرائیل، تقریباً موفقیت در خارج کردن ۷ اکتوبر از متن است تا به نظر برسد که ناگهانی رخ داده است.»

به این ترتیب، سندرز مقاومت را شیطان‌صفت معرفی می‌کند، که آن را یک سازمان تروریستی مسئول این «جنگ وحشتناک» می‌نامد، بنابراین نه تنها ۷ اکتوبر را خارج از متن قرار می‌دهد، بلکه آن را از تاریخ مبارزه ضد استعماری که تا به امروز ادامه دارد نیز حذف می‌کند.

سیاستمداران «مترقی» مانند سندرز به نظر می‌رسد که بیشتر راحت‌تراند عکس‌های کودکان گرسنه را به اشتراک بگذارند تا این که به فلسطینیان انسانیت کامل آنها را بدهند، که مستلزم دیدن مبارزه آنها به عنوان پاسخی مشروع به دهه‌ها اشغال است. در عوض، آنها اشغال‌شدگان را صرفاً قربانی می‌بینند، که البته چنین هستند، اما آنها همچنین مبارزان شجاع آزادی هستند که به عنوان تنها گزینه اخلاقی مقاومت می‌کنند.

«آمندا گلندر» می‌نویسد: «استعمارزدائی در حال حاضر توسط مقاومت در میدان نبرد در حال انجام است، نه در صندوق رأی امریکا.»

محمد ال. مختار می‌نویسد: «آنچه در خطر است، حاکمیت خود روایت است؛ چه کسی عدالت را تعریف می‌کند، چه کسی معنا را کنترل می‌کند، چه کسی تصمیم می‌گیرد چه چیزی قابل مشاهده است و چه چیزی پنهان می‌ماند.»

در نقد کتاب «نسل‌کشی، تروما و هویت یهودی» پیتر بینارت، همانطور که مقاله عنوان شده است، پل ون بلوم با فراخوان بینارت برای یک روایت جدید یهودی موافق است، «روایتی که بر پایه برابری باشد تا برتری.» با این وجود، ون بلوم، و به طور پیش‌فرض پیتر بینارت، مشخص نمی‌کنند که چگونه از ارتکاب نسل‌کشی به زندگی در حالت همزیستی برسند.

از اینجا به بعد، بینارت و منتقدش به ترفند ستندرد درهم آمیختن مقاومت با اقدامات تروریستی بازمی‌گردند، و با «برابرسازی دو طرف» فراخوان برای یک روایت جدید که شامل آنچه قبلاً بوده است، را پاک می‌کنند.

ون بلوم می‌نویسد: «بینارت تروما ناشی از حمله ۷ اکتوبر حماس را برای یهودیان در اسرائیل و جاهای دیگر کاملاً درک می‌کند»، و به این ترتیب پوششی برای واکنش نامتناسب اسرائیل فراهم می‌کند.

ون بلوم اشاره می‌کند که بینارت بدرستی به ستم تاریخی بر فلسطینیان اشاره می‌کند، اما منتقد ادامه می‌دهد که این «به هیچ وجه حماس را از قصابی خود مبرا نمی‌کند.»

به این ترتیب، هر دو نویسنده روایتی غیرتاریخی از مقاومت فلسطین ارائه می‌دهند. همانند سندرز، آنها اشاره نمی‌کنند که ۷ اکتوبر تنها فصل دیگری در تاریخ طولانی مبارزات آزادی‌خواهانه است – شورش نات ترنر، زانوی زخمی (Wounded Knee)، ویتنام، قیام گتوی وارسا، و «زمین پس گرفته شود» (Land Back)، تنها چند نمونه از این مبارزات هستند.

در واقع، هنگامی که گروهی از مردم برای مدت زمان قابل توجهی در اسارت نگه داشته می‌شوند، ستمگران آنها با این ترس زندگی می‌کنند که هر لحظه ممکن است قیامی از سوی خود قربانیان رخ دهد. این موضوع قطعاً در مزارع برده‌داری در جنوب امریکا صادق بود، جایی که صاحبان بردگان می‌دانستند که «اموال» آنها خواهان آزادی هستند. به عنوان یک یهودی، من این نوع ترس را احساس نمی‌کنم، حداقل نه از فلسطینیان. آنچه مرا نگران می‌کند، گروه‌های صهیونیستی هستند که به طور فزاینده‌ای در تلاش برای حداقل، ارباب سازمان‌های ضدصهیونیستی، به ویژه همکیشان یهودی خود، صدای خود را بلند می‌کنند.

به جای تمرکز بر تروما یهودی، همانطور که به نظر می‌رسد بینارت این کار را می‌کند، شاید بهتر باشد در مورد تلاش‌هایی مانند «پروژه استر» صحبت کنیم که هدف آن برچسب‌گذاری گروه‌های حامی فلسطین به عنوان سازمان‌های تروریستی است تا اعضاء به راحتی بتوانند «اخراج، قطع بودجه، تحت پیگرد قانونی قرار گرفتن، اخراج از کار، طرد، و به طرق دیگر از آنچه «جامعه باز» تلقی می‌شود، محروم شوند.»

از آنجایی که خودم هدف این سیاست‌ها بوده‌ام، گاهی اوقات این احساس سورئال به من دست می‌دهد که یهودیانی که خود هولوکاست را تجربه کرده‌اند، گاهی تنها نسل دوم یا سوم از آن زمان، اکنون به دلیل اعتراض به نسل‌کشی دیگری تهدید می‌شوند. این بار خون یهودی نیست، بلکه خون فلسطینی است که ریخته می‌شود.

گلندر نتیجه‌گیری می‌کند: «در میان تباهی بی‌امان این هولوکاست، مقاومت تنها پادزهر نومی‌دی است. هرگز تسلیم نشوید، هرگز زانو نزنید، در برابر تمام مشکلات مبارزه کنید، تا پیروزی.»

* - **بنی بلند** دکترای خود را در مطالعات امریکائی از دانشگاه نیومکزیکو دریافت کرده است. آثار علمی او شامل کتاب‌های ویرایش‌شده داگلاس واکوک و سم میکی (۲۰۱۷)، «نه میهن و نه تبعید واژه‌اند: دانش موقعیت‌یافته» در آثار نویسندگان فلسطینی و بومی امریکا» است. او این مقاله را به نشریه فلسطین کرونیکل ارائه کرده است.